



A Critical Reading of Noldeke's Criteria for the Incongruity of Quranic Verses *

Seyyed Abd al-Rosoul Hosseinizadeh ¹ and Syed Fazullah Mirzeinali ²

Abstract



One of the pivotal topics in Quranic studies and exegesis is the coherence of verses within the surahs. Numerous orientalist have scrutinized and assessed this matter, with the majority asserting that the verses within Quranic surahs exhibit a lack of coherence. Theodor Noldeke, in his work "History of the Quran," is a notable advocate of this viewpoint and has extensively discussed the issue. The criteria posited by Noldeke regarding the perceived incoherence of verses, along with the critiques and evaluations of these criteria, constitute the primary focus of the present article. This study endeavors, employing a descriptive-analytical approach, to elucidate and critically appraise Noldeke's criteria concerning the lack of coherence in Quranic verses. The conclusion drawn is that Noldeke's criteria for incoherence are evident in both structural and content-related dimensions. Variations in verse length, style, rhyme, context, and inconsistencies in the verses' content are categorized within these two dimensions. An assessment of these criteria reveals that stylistic variations serve as a distinctive characteristic of the Quran, with the intention of affecting human consciousness. The differences in rhyme and context arise from a commitment to meaning, while variations in verse length correspond to the condition of the audience. Furthermore, discrepancies in content illustrate the Quran's unique approach to presenting concepts and teachings in a manner that is both mixed and integrated.

Keywords: Holy Quran, Coherence of Verses, Context, Rhyme, Contents, Noldeke.

*. **Date of receiving:** 11-10-2023; **Date of correction:** 15-01-2024; **Date of approval:** 22-04-2024.

1. Associate Professor of the Holy Quran University of Sciences and Education, Qom, Iran (First Author): Hosseiny43@yahoo.com

2. Syed Fazullah Mirzeinali: PhD Candidate in the Field of Comparative Exegesis, Quranic Sciences and Education University, Qom, Iran (Corresponding Author): syedmirzeinali@gmail.com



خوانش انتقادی شاخصه‌های عدم تناسب آیات قرآن از دیدگاه نولدکه*

سید عبد الرسول حسینی زاده^۱ و سید فضل الله میرزینلی^۲



چکیده

از مباحث مهم در علوم قرآنی و تفسیر، بحث تناسب آیات در سوره‌هاست. موضوع تناسب آیات توسط بسیاری از خاورشناسان مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است که اغلب آنها قائل به عدم تناسب آیات سوره‌های قرآن هستند. تئودور نولدکه، در کتاب «تاریخ قرآن» از قائلان به این ادعا بوده و به صورت گسترده به این موضوع پرداخته است. شاخصه‌های عدم تناسب آیات براساس دیدگاه نولدکه و نقد و بررسی آنها مهم‌ترین مسائلی است که سبب نگارش مقاله حاضر شده است. در این نوشتار سعی شده است که با روش توصیفی - تحلیلی شاخصه‌های عدم تناسب آیات براساس دیدگاه نولدکه تبیین و مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. نتیجه اینکه شاخصه‌های عدم تناسب در دیدگاه نولدکه در دو عرصه ساختاری و محتوایی نمود دارد. اختلاف و تفاوت در طول آیات، اسلوب، فواصل، سیاق و اختلاف در مضامین آیات در این دو عرصه جای دارند. نتیجه ارزیابی شاخصه‌های مذکور حاکی از این است که اختلاف در اسلوب از ممیزات قرآن کریم بوده که با هدف تأثیر بر نفوس انسانی است. اختلاف در فواصل و سیاق آیات نیز نتیجه متابعت از معناست و اختلاف در طول آیات براساس حال مخاطبان است. همچنین اختلاف در مضامین بیانگر روش ویژه قرآن در بیان مفاهیم و آموزه‌ها به شکل ترکیبی و مزجی است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، تناسب آیات، سیاق، فواصل، مضامین، نولدکه.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳.

۱. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران: Hosseiny43@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (نویسنده مسئول): syedmirzainali@gmail.com



بیان مسأله

از مباحث مهم در علوم قرآنی و تفسیر، بحث تناسب آیات و سوره‌هاست. این موضوع از گذشته تاکنون مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است و آثار متعددی در این زمینه نگاشته شده است. موضوع تناسب آیات در سوره‌ها یکی از بحث‌های چالش‌برانگیز و پرتکرار در میان اندیشمندان غربی و خاورشناسان نیز بوده است. تئودور نولدکه (۱۹۲۰م)، خاورشناس آلمانی در کتاب «تاریخ قرآن» (Geschichte des Qorans) تصریح می‌کند که بسیاری از آیات در سوره‌ها منسجم و باهم مرتبط‌اند و تعداد آیتی که به صورت یکباره نازل شده‌اند بسیارند و بسیاری از سوره‌ها، نه تنها سوره‌های قصار، بلکه سوره‌های بزرگ‌تر مانند سوره یوسف یکجا نازل شده‌اند و بعضی از سوره‌ها به شکلی زیبا تنظیم شده‌اند و ابتدا و انتهای سوره زیبا و مناسب بیان شده است (نولدکه، تاریخ قرآن، ۲۰۰۴: ۲۸). با این اوصاف او در موارد متعددی با تمسک به ادله‌ای چند، مدعی ازهم‌گسیختگی و نبود ارتباط آیات در چندین سوره قرآن شده است. ضرورت ایجاب می‌کند که به دیدگاه‌های نولدکه در این زمینه به صورت مستقل پاسخ داده شود. برای این منظور ابتدا آیات و سوره‌هایی که به زعم این نویسنده دچار ازهم‌گسیختگی و عدم تناسب ظاهری و محتوایی شده‌اند، احصاء و گردآوری شده و سپس براساس شاخصه‌های عدم تناسب دسته‌بندی شده و در نهایت مورد تحلیل و نقد و ارزیابی قرار گرفته‌اند.

پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع تناسب آیات، آثار متعددی به نگارش در آمده است. یکی از قدیمی‌ترین کتب در این زمینه کتاب «تناسق الدرر فی تناسب السور» سیوطی است که روابط بین سوره‌های قرآن از سوره مبارکه حمد تا سوره ناس را بیان کرده است (ر.ک: سیوطی، تناسق الدرر فی تناسب الآیات و السور، ۱۴۰۶: ۵۱) همچنین کتاب «تناسب آیات» ترجمه بخشی از جلد پنجم کتاب «التمهید فی علوم القرآن» آیت‌الله معرفت است که توسط آقای عزت‌الله مولایی نیا تنظیم و تألیف شده است. نویسنده از قائلان به تناسب آیات بوده و تناسب معنوی آیات و فواصل را مورد بحث و بررسی قرار داده است (ر.ک: معرفت، تناسب آیات، ۱۳۷۳: ۱۷)؛ اما خاورشناسان که اغلب معتقد به نبود تناسب بین آیات و سوره‌ها هستند، جهت اثبات این ادعا در کتاب‌ها و مقالات خویش مسائلی مطرح کرده‌اند. اندیشمندان و پژوهشگران قرآنی درصدد پاسخ‌گویی به این شبهات بوده‌اند که حاصل آن نگارش چندین اثر پژوهشی در این باره است. یکی از پژوهش‌های مرتبط مقاله‌ای تحت عنوان «نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن» است که توسط زمانی و قانع‌ای اردکانی نوشته شده است. نویسندگان مذکور

نظرات ۱۱ مستشرق معروف را در این مقاله آورده‌اند و در نهایت به صورت کلی به نقد دیدگاه‌های آنها درباره عدم انسجام قرآن پرداخته‌اند (ر.ک: زمانی و قانع‌ای اردکانی، نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن، ۱۳۹۱: ۷۶-۵۷). همچنین مقاله‌ای تحت عنوان «رویکردهای خاورشناسان به مسئله انسجام قرآن؛ سیر تحول تاریخی، ویژگی‌ها، زمینه‌ها» توسط نیل‌ساز، شیرزای و لسانی‌شارکی نگاشته شده است که در آن سیر تاریخی دیدگاه‌های خاورشناسان نسبت به مسئله انسجام قرآن مورد بررسی قرار گرفته است (ر.ک: نیل‌ساز و همکاران، رویکردهای خاورشناسان به مسئله انسجام قرآن؛ سیر تحول تاریخی، ویژگی‌ها، زمینه‌ها، ۱۳۹۸: ۱۹۰-۱۶۱). در همین باره مقاله‌ای تحت عنوان «بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن با تأکید بر دیدگاه میشل کوپرس» به قلم مکوند و شاکر به نگارش در آمده است. مقاله مذکور به تحلیل دیدگاه‌های میشل کوپرس راجع به پیوستگی و تناسب آیات قرآن پرداخته است و میزان کارآمدی نظریه نظم متقارن در اثبات انسجام متن قرآن را ارزیابی کرده است (ر.ک: مکوند و شاکر، بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن با تأکید بر دیدگاه میشل کوپرس، ۱۳۹۴: ۳۳-۴). با وجود نقد و بررسی دیدگاه‌های خاورشناسان در خصوص انسجام و تناسب آیات، اما تاکنون دیدگاه‌های تودور نولدکه در زمینه تناسب و انسجام آیات قرآن به صورت مستقل و مبسوط و با ذکر شواهد و دسته‌بندی مناسب ارزیابی و نقد نشده است و از این جهت این نوشتار با سایر پژوهش‌ها متمایز است.

۱. دسته‌بندی سوره‌ها در دیدگاه نولدکه

در مطلع این جستار به تقسیم‌بندی سوره‌ها و بیان ویژگی‌های هر دوره از نظر نولدکه اشاره می‌شود. نولدکه در کتاب «تاریخ قرآن» بحث‌های متعددی را مطرح کرده است که می‌توان طبقه‌بندی سوره‌ها و بیان ویژگی‌های آنها را از مهم‌ترین و اساسی‌ترین فصول کتاب دانست. این دسته‌بندی در بین اندیشمندان از شهرت بالایی برخوردار است. نویسنده سعی کرده است که سوره‌های قرآن را براساس سه معیار زیر دسته‌بندی کند:

۱. دسته‌بندی آیات و سوره‌های قرآن بر مبنای رخداد‌های تاریخی مورد اشاره در آیات؛
۲. دسته‌بندی براساس مضامین و محتوای آیات مرتبط با شرایط و مواضع مختلف پیامبر ﷺ؛
۳. دسته‌بندی براساس سبک و سیاق آیات، نحوه لحن و آهنگ و نثر و مسجع بودن آیات (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ گذاری قرآن، ۱۳۸۵: ۲۹).



دوره نخست: مکی

شامل سوره‌های کوتاه با آیاتی لبریز از تصویرآفرینی، شورانگیز، آهنگ کوبنده و محکم و فواصل روان معرفی می‌کند و سوره‌های زیر را در این دوره می‌داند: «علق، مدثر، مسد، قریش، کوثر، همزه، ماعون، تکاثر، فیل، لیل، بلد، شرح، ضحی، قدر، طارق، شمس، عبس، قلم، اعلی، عصر، بروج، مزمل، قارعه، زلزله، انفطار، تکویر، نجم، انشقاق، عادیات، نازعات، مرسلات، نبأ، غاشیه، قیامه، مطففین، حاقه، ذاریات، طور، واقعه، معارج، رحمان، اخلاص، کافرون، فلق، ناس، فاتحه» (نولدکه، تاریخ قرآن، ۲۰۰۴: ۶۸).

دوره دوم: مکی

سوره‌ها، ویژگی مشترکی ندارند و طولانی‌ترند و حرکت از شور و حماسه به سمت آرامش می‌رود و در آنها مباحث اعتقادی و قصه‌های انبیای گذشته مطرح می‌شوند و بسیاری از آیات آن با کلمه «قل» شروع می‌شوند. سوره‌های این دوره عبارت‌اند از: «قمر، صافات، نوح، انسان، دخان، ق، طه، شعرا، حجر، مریم، ص، یس، زخرف، جن، ملک، مؤمنون، انبیا، فرقان، اسراء، نمل و کهف.» (همان: ۱۰۵).

دوره سوم: مکی

مشخصه‌های دوره قبل در سوره‌های دوره سوم، قوت و شدت بیشتری می‌یابد. با وجود این، تنوع در قصص انبیا وجود ندارد و غالباً تکرار می‌شود. عبارات دچار سستی، اطناب و پراکنندگی می‌شوند. براهین و ادله وضوح ندارند و مخاطب را قانع نمی‌کنند و سبب خستگی مخاطب می‌شوند. عبارت «یا ایها الناس» در این سوره‌ها شایع است و آیات طولانی شده و به سبب نثر نزدیک می‌شوند و از قالب شعری فقط شاخصه فاصله باقی می‌ماند که این امر سبب تأثیر بیشتر در مخاطب می‌شود؛ اما اغلب گیج‌کننده است. سوره‌های «سجده، فصلت، جاثیه، نحل، روم، هود، ابراهیم، یوسف، غافر، قصص، زمر، عنکبوت، لقمان، شوری، یونس، سبأ، فاطر، اعراف، احقاف، انعام و رعد» مربوط به این دوره‌اند (همان: ۱۲۸).

دوره چهارم: مدنی

در دوران بعد از هجرت و حضور در مدینه، شخص پیامبر ﷺ مانند دوران مکی به عموم مردم توجه ندارد و به همین جهت آمدن عبارت «یا ایها الناس» در این دوره بسیار نادر است و از عبارت «یا ایها الذین آمنوا» بیشتر استفاده شده است. در این دوره آیات کمی با سبک شعری وجود دارد و غالباً شامل

قوانین مختصر، گفتگوها و دستورات می‌شوند. توالی وقایع تاریخی در این سوره‌ها مشهود است، لذا می‌توان ترتیب زمانی نزول سوره‌ها را کشف کرد. منافقان و یهودیان کانون توجه آیات هستند. سوره‌های مربوط به این دوره عبارت‌اند از: «بقره، بینه، تغابن، جمعه، انفال، محمد ﷺ، آل عمران، صف، حدید، نساء، طلاق، حشر، احزاب، منافقون، نور، مجادله، حج، فتح، تحریم، ممتحنه، نصر، حجرات، توبه و مائده» (همان: ۱۵۳)

همان‌طور که پیداست وقایع تاریخی و سبک و سیاق آیات و لحن آنها و نثر یا مسجع بودن آیات در دسته‌بندی سوره‌ها طبق دیدگاه نولدکه نقش زیادی دارد. نولدکه ضمن نادیده گرفتن اخبار و روایات صحیح صحابه و تابعان پیرامون تاریخ‌گذاری قرآن به طرح دیدگاه‌هایی در این زمینه پرداخته است که نیازمند نقد و بررسی است. از این میان معیار سوم که با مسئله انسجام و تناسب آیات نیز در ارتباط است و نقش اجتهادهای شخصی این نویسنده در تعیین نزول آیات و چینش آنها در سوره‌ها را نشان می‌دهد، نیازمند نقد و بررسی جدی است؛ بنابراین نمی‌توان سبک و سیاق، لحن و آهنگ آیات را مبنای صحیحی جهت دسته‌بندی آیات مدنظر گرفت (بدوی، دفاع از قرآن در برابر آرای خاورشناسان، ۱۳۸۳: ۱۶۸؛ اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، ۱۳۸۵: ۷۹).

۲. مفاهیم مرتبط با بحث تناسب آیات

یک. تناسب

واژه تناسب از ماده «نسب» به معنای قرابت و نزدیکی و به هم پیوستگی چیزی با چیز دیگر است (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰: ۲۷۱/۷؛ ابن‌فارس، معجم مقائیس اللغة، ۱۴۰۴: ۴۲۳/۵)؛ و در اصطلاح علوم قرآن به پیوند میان بخش‌های یک آیه یا دو یا چند آیه باهم و نیز ارتباط سوره‌ای با سوره‌های دیگر، اطلاق می‌شود (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرةالمعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲: ۶۵۲/۸). از تناسب آیات با عنوان «تناسق آیات» نیز تعبیر شده است. تناسق در لغت به معنای پیوستگی و نظم واحد در اشیاء است (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰: ۸۱/۵؛ ابن‌فارس، معجم مقائیس اللغة، ۱۴۰۴: ۴۲۰/۵). زرکشی در کتاب ارزشمند خویش نوع دوم از انواع علوم قرآنی را به این بحث اختصاص داده است (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱: ۱۴۱۰/۱۳۰). دانش تناسب دانشی است که به وسیله آن علل چگونگی ترتیب یافتن اجزای قرآن شناخته می‌شوند و همین علت‌ها نشان‌دهنده اسرار بلاغی قرآن بشمار می‌روند و مقاصد کلی سوره‌ها که به شناخت اهداف جمله‌های قرآنی می‌انجامد، از فواید این علم است (بقاعی، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، ۱۳۸۹: ۶/۱). سیوطی تناسب در آیات را



به معنای ربط‌دهنده بین آنها می‌داند که رابط می‌تواند عامّ، خاص، عقلی یا حسّی یا خیالی یا انواع دیگر علاقه‌ها و یا تلازم ذهنی، مانند سبب و مسبّب و علت و معلوم و دو نظیر و دو ضدّ و أمثال این‌ها باشد (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱: ۲/۲۱۸).

دو. سیاق

یکی از مفاهیم مرتبط با بحث انسجام، مفهوم «سیاق» از ماده «سوق» است که در اصل به معنای حرکت دادن و برانگیختن چیزی (ابن فارس، معجم مقانیس اللغة، ۱۴۰۴: ۳/۱۱۷)، کشاندن یا رلندن شتر (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۴۳۶)، و گاهی هم به معنای اسلوب و روش نیز آمده است (معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۶۰: ذیل واژه سیاق). در خصوص معنای اصطلاحی سیاق گفته‌اند: هرگونه نشانه و دلیل دیگری است که با الفاظی که به دنبال فهم آنها هستیم، مرتبط است، خواه از مقوله الفاظ باشد؛ مانند واژگانی که با عبارت مورد نظر یک سخن پیوسته را تشکیل می‌دهد یا قرینه حالی باشد که بیانگر اوضاع و احوال و شرایط وقوع سخن است و به فهم موضوع و لفظ مورد نظر کمک می‌کند (صدر، دروس فی علم الاصول، ۱۴۰۶: ۱/۹۰). برخی نیز جوّ عمومی حاکم بر کلمه و قراین و علامت‌هایی که به کلمه پیوند خورده را در شرح این اصطلاح آورده‌اند (حسینی، کیف نفهم القرآن، ۱۴۰۸: ۱۲۵). سیاق جزء قرائن پیوسته لفظی محسوب می‌شود که در تعریف آن گفته‌اند نوعی ویژگی برای واژگان یا عبارت و یا یک سخن است که بر اثر همراه بودن آنها با کلمه‌ها و جمله‌های دیگر به وجود می‌آید (بابایی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

سه. فاصله

فاصله، از مفاهیم مرتبط با بحث تناسب آیات است که در دیدگاه نولدکه آمده است. این واژه از ریشه «فصل» گرفته شده است و دلالت بر جدایی و بینونت بین دو چیز دارد (فراهیدی، العین، ۱۴۰۹: ۱۲۶/۷). ریشه فصل در مقابل وصل قرار داشته و در امور مادی مانند جدا کردن لباس و کتاب و امور معنوی مانند جدا کردن حق و باطل کاربرد دارد (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴۳۰: ۵/۱۰۵). زرکشی در تعریف آن گفته است که همان کلمه آخر آیه است، مانند قافیه شعر و قرینه سجع (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۱/۱۴۹). فواصل آیات همان کلمه آخر آیه‌هاست که به فهم معنا کمک می‌کند (باقلانی، إعجاز القرآن، ۱۴۲۱: ۵/۱۰۹). از عثمان بن سعید دانی نقل است فاصله کلمه آخر جمله است که از مابعدش منفصل است و هر سر آیه‌ای فاصله است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱: ۲/۱۸۶).

چهار. اسلوب

یکی از مفاهیم کلیدی در بحث تناسب آیات، اسلوب آیات است. اسلوب از نظر لغت به معنای راه و روش است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۴۷۳/۱). اسلوب قرآن یعنی سبک و شیوه نظم، جمله‌بندی‌ها و چینش الفاظ و عبارات آن (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۱۳۱/۵)؛ و همان‌گونه که در کلام اندیشمندان علوم قرآنی آمده است، روشی ویژه در گفتار است که گوینده آن را در ادای معانی و مقاصدی که از کلامش در نظر دارد، برمی‌گزیند؛ بنابراین اسلوب قرآن کریم عبارت است از روش اختصاصی قرآن در تألیف کلام و انتخاب الفاظ (زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی‌تا: ۱۹۹/۱).

۳. شاخص‌های عدم تناسب آیات در سوره‌ها از نگاه نولدکه

اختلاف در فواصل، سیاق، اسلوب و کوتاهی و بلندی آیات و همچنین اختلاف در مضمون و محتوای آیات، مهم‌ترین شاخصه‌های عدم تناسب آیات از دیدگاه نولدکه است. از آنجاکه نحوه چینش آیات، اسلوب و سبک بیانی آن و ترکیب محتوایی قرآن، برخلاف الگوی عهدین است و اغلب خاورشناسان، از جمله نولدکه با این پیش‌زمینه فکری به مطالعه قرآن به‌عنوان یک متن مقدس پرداخته‌اند و متن قرآن را برخلاف کتاب مقدس یافته‌اند و آن را فاقد انسجام و وحدت معنا تصور کرده، لذا این شبهه را مطرح کرده‌اند (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، ۱۳۸۵: ۲۴۸). قرآن کریم برخلاف سایر کتب، از نظم نوشتاری پیروی نمی‌کند؛ بلکه قرآن گفتار الهی و در اوج فصاحت و بلاغت است. لذا برخی از خاورشناسان مانند نولدکه به علت اینکه قائل به تفکیک میان دو نظم نوشتاری و نظم گفتاری نیستند، دچار این مغالطه شده‌اند (ر.ک: زمانی و قانع‌اردکانی، نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن، ۱۳۹۱: ۷۶-۵۷).

یک. اختلاف در اسلوب آیات

نولدکه در کتاب خویش تعریفی از اسلوب ارائه نداده است. یکی از موارد استفاده مفهوم اسلوب در دیدگاه نولدکه، تفاوت اسلوب در آیات ۳۷ و بعد از آن در سوره نباء با آیات پیشین آن است. او با آنکه نزول سوره نباء را در دوره نخست مکی می‌داند؛ اما نزول آیات ۳۷ به بعد این سوره را به سبب تفاوت اسلوب مربوط به دوره دوم مکی می‌داند (نولدکه، تاریخ قرآن، ۲۰۰۴: ۹۳). نمونه دیگر در سوره طور اتفاق افتاده است. از نظر نولدکه این سوره در دوره نخست مکه نازل شده است؛ ولی در آیات ۲۹ و بعد از آن اسلوب خطاب‌ها در این سوره تغییر می‌کند و مانند خطاب جاری در سوره‌های دوره اول مکی



نیست (همان: ۹۴). همچنین در خصوص سوره احزاب می‌گوید که از چند مقطع تشکیل شده و اختلاف در اسلوب این سوره تصادفی نیست و توسط خود پیامبر ایجاد شده است (همان: ۱۸۶). به نظر نولدکه به صورت کلی آیات سوره هود باهم ارتباط محکمی دارند؛ اما در این میان گسست‌هایی نیز در برخی آیاتش نیز وجود دارد؛ مثلاً در آیات ۶۹ تا ۸۴: ﴿وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِينٍ...﴾ که قصه حضرت ابراهیم را بیان می‌کند، از لحاظ نحوه ورود به داستان با آنچه در داستان‌های نوح [آیات: ۲۵-۲۷]، هود [آیات: ۵۲-۵۰]، صالح [آیات: ۶۴-۶۱]، شعیب [آیات: ۸۵-۸۴] بیان شده متفاوت است و آسان‌تر است که آیات ۸۴ را دنباله آیات ۶۸ بدانیم (همان: ۱۳۶). اسلوب در دیدگاه نولدکه عاملی برای اثبات به هم‌ریختگی انسجام و وحدت بین آیات است و با توجه به موارد استفاده او می‌توان گفت که منظور او از این مفهوم شیوه بیان معنا و مقصود و نوع تعبیر آیات است (نورایی و سلمان‌زاده، اسلوب در نظریه ترتیب نزول نولدکه چپستی و کارکردها، ۱۳۹۷: ۳۱).

نقد و بررسی

در نقد این شاخصه باید گفت قرآن کتاب هدایت است و یک کتاب فقهی، تاریخی و اخلاقی و مانند آنها نیست تا برای هر موضوعی باب مستقلی ترتیب دهد و مطالب را دسته‌بندی کند. بی‌شک اسلوب موجود قرآن بهتر می‌تواند مقصود و هدف هدایتی و اثرگذاری آن را تأمین کند؛ زیرا اگر کسی تنها بعضی از سوره‌های قرآن را بخواند، می‌تواند در مدت کم و بدون زحمت و مشقت به مقاصد زیاد قرآن پی ببرد و با اهداف و مفاهیم آن آشنا شود و در ضمن خوانش یک سوره می‌تواند، با مبدأ و معاد آشنا و از تاریخ گذشتگان اطلاع حاصل کند و از سرگذشت آن‌ها عبرت بگیرد و از اخلاق نیکو و تعالیم برنامه‌های عالی بهره‌مند شود و باز در ضمن همان یک سوره می‌تواند، قسمتی از احکام و دستورات قرآن را درباره عبادات و معاملات فراگیرد. بدون اینکه لطمه‌ای بر نظم کلام وارد آید و در تمام مراحل، تناسب در گفتار و اقتضای حال رعایت شده و حق بیان ادا شده است. حسن تألیف یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بیانی قرآن و یکی از محاسن آیات الهی است که شناخت و درک این ویژگی منوط به کسب معرفت در فصاحت و بلاغت است (فرضی، نقد شبهات مستشرقان در مورد اشکالات صرفی و نحوی قرآن، ۱۴۰۲: ۲۹۲-۲۵۷). اگر قرآن به صورت ابواب منظم بود این همه فواید به دست نمی‌آمد و این چنین نتیجه بخش نمی‌گردید و خواننده قرآن در صورتی می‌توانست با اهداف و مقاصد عالی آن آشنا گردد که تمام قرآن را بخواند. این روش یکی از مزایا و محسنات اسلوب قرآن است که بر قرآن، زیبایی و طراوت خاصی بخشیده است، زیرا قرآن در عین پراکنده‌گویی و بیان مطالب مختلف، باز از کمال

ارتباط و انسجام برخوردار است و از جملات آن مانند درّ گرانمایی که با تناسب خاصی به رشته درآمده باشد، در کنار هم چیده شده و با نظم اعجاب‌انگیزی به هم متصل و مرتبط است (خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۹۵). قرآن کریم با هدف تذکر نازل شده است: ﴿إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ (انسان/۲۹)؛ و تفاوت در اسلوب بیانی آن ایجاب کرده است که سخنان پندآموز و وعده و وعید را در کنار هم قرار دهد (زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۴/۴۳۵). برخلاف نظر نولدکه، تفاوت در نحوه بیان قرآن یا همان اسلوب قرآن که سبب کنار هم قرار گرفتن موضوعات متفاوت است، دلیل عدم تناسب آیات نیست. تفاوت در خطاب آیه ۲۹ سوره طور: ﴿فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ﴾ که نسبت به آیات پیشین سوره اتفاق افتاده است، تفاوت در اسلوب قرآن محسوب نمی‌شود و همچنان ارتباط این آیه با آیات پیشین محفوظ است. در آیات قبل، از عذاب روز قیامت برای تکذیب‌کنندگان خبر داده، درحالی‌که مردم با تقوا در بهشت مشمول عنایت پروردگارند و در آیه ۲۹ به بعد به رسول گرامی‌اش دستور می‌دهد که دعوت خویش را همچنان ادامه دهد و تذکر خود را متوقف نسازد. بنابراین آیه ۲۹ نتیجه آیات قبل است که به وقوع عذاب الهی در روز قیامت، و کامیابی متقین خبر داده بود. لذا جمع معانی آیات این است: حالا که آن اخبار حق است [غیب] پس تو به کار تذکر دادن خود ادامه بده و بدان که تو به حق تذکر می‌دهی و آن طور که به تو نسبت می‌دهند کاهن و مجنون نیستی (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۸/۱۹).

در خصوص تفاوت اسلوبی در سوره نباء آیه ۳۷ الی ۴۰ که به ادعای نولدکه شبیه به سبک سوره‌های دوره دوم مکی است نیز می‌توان گفت همان‌طور که او در خصوص اسلوب بیانی این دوره مطرح کرده است سوره‌های دوره دوم مکی طولانی‌تر بوده و شور و حماسه دوره اول را نداشته و آرامش بیشتری وجود دارد. آیات ۳۷ الی ۴۰ سوره نباء از منظر فواصل مانند آیات قبل است و تفاوتی وجود ندارد و از لحاظ ارتباط مضمونی بین این آیات و آیات قبل، آیه: ﴿رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنِ...﴾ (نبا/۳۷) بیان و تفسیر کلمه «ربک» در آیه قبل: ﴿جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا﴾ (نبا/۳۶) است. در نتیجه می‌فرماید: ربوبیت خدای تعالی عمومی است و شامل همه چیز است و خداوند رب اختصاصی نیست؛ بلکه رب هر موجودی است (همان: ۱۷۰/۲۰؛ سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۳۸۰۸/۶). از منظر سیاق نیز سوره نباء با انکار یوم القیامه از سوی کافران آغاز شده سپس ایشان را به اتفاقات این روز و تأثیر ایمان در آن راهنمایی کرده و اینکه آن روز، یوم الفصل است و کفر کافران در آن روز جایگاهی ندارد و حق همان است که قرآن بدان توجه داده است: ﴿ذَلِكِ الْيَوْمِ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا﴾ (نبا/۳۹؛ حوی، الاساس فی التفسیر، ۱۴۰۵: ۱۱/۶۳۴۳)؛ بنابراین تفاوت اسلوب در



سوره مبارکه نباء به دلیل نوع نگاه نولدکه به سوره‌هاست. به‌زعم او باید یک سوره از اسلوبی پیروی کرده و اگر تفاوتی به وجود بیاید این نشانه عدم انسجام آن است که این دیدگاه صحیحی نیست. اسلوب و سبک بیانی قرآن، جمله‌بندی‌ها و چینش الفاظ و عبارات آن کاملاً بی‌سابقه بوده و این‌گونه نظم و تألیف کلام تازگی داشت؛ ولی از چارچوب اسلوب‌های کلامی عرب هم بیرون نبود. قرآن کریم میان سه نوع کلام شعر، نثر و سجع جمع کرده است (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۱۱/۵)؛ ویژگی منحصر به فرد این کتاب که در نگاه خاورشناسان مغفول واقع شده است.

دو. اختلاف در کوتاهی و بلندی آیات

از دیدگاه نولدکه هرگاه در جریان یک سوره، آیات از لحاظ بلندی و کوتاهی دچار نامتوازن شدن این مسئله در تناسب سوره خلل ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال طول آیه ۶ از سوره تین از سایر آیات سوره بیشتر است و این نشانه تناسب نداشتن آیات سوره است (همان: ۸۶). نمونه دیگر آیات ۸ الی ۱۱ سوره بروج است که از لحاظ طول با آیات قبل و بعد اختلاف دارد (همان: ۸۷). همچنین در سوره طور آیه ۲۱ طولانی‌ترین آیه نسبت به آیات دیگر است (همان: ۹۴)؛ و طول آیه ۳۳ سوره الرحمن دو برابر آیات دیگر است که نشانه اختلاف بین آیات شده است (همان: ۹۶).

نقد و بررسی

یکی از وجوه اعجاز قرآن مربوط به سبک و شیوه بیان آن است که برخلاف سبک و شیوه‌های کلام عرب و روش نظم و نثر آنان بوده است که نه پیش از آن و نه پس از آن همانندی ندارد. مقابله‌کنندگان در حیرت فرورفته و ندانستند چگونه با او مقابله کنند، چه در نثر و چه در نظم و چه در سجع یا رجز و شعر که سخن متداول آنان بود (قاضی عیاض، الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، ۱۴۰۷: ۵۱۱/۱؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۱۳۲/۴). سخن ولیدبن مغیره مخزومی که از سران عرب بوده، در این زمینه شهرت دارد که می‌گوید: «فو الله ما هو بشعر ولا بسحر ولا بهذی جنون و ان قوله لمن کلام الله...» (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۲/۲۳۵).

نگاه صرف به شکل ظاهری آیات و نحوه چینش آن و هماهنگی و تناسب در تعداد کلمات آیات، یکی از ویژگی‌های نگاه عموم خاورشناسان به قرآن کریم است. برخلاف این دیدگاه، قرآن کریم از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند و کوتاهی و بلندی آیات از یک منظر توقیفی بوده و همچنین براساس حال مخاطبان است. همچنین برخلاف این دیدگاه آیات بلند لزوماً اختصاص به سوره‌های مدنی ندارند

و در سوره‌های مکی مانند سوره انعام نیز آیات بلند وجود دارند (رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ۱۴۱۳: ۵۹۰/۲)؛ بنابراین سبک بیانی قرآن و نظم آهنگ موجود در آن امری ربانی و توقیفی است و برخلاف شیوه‌ها و الگوهای متداول نثر و شعر عرب بوده و این دو سنخیتی با هم ندارند. از سویی دیگر گره‌زدن مسئله انسجام آیات به تناسب در شکل ظاهری آنها توجیه منطقی ندارد. تحلیل و بررسی مثال‌هایی که نولدکه در این زمینه بیان کرده است این مسئله را روشن می‌کند. به‌عنوان مثال در خصوص وجه ارتباط آیه ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ (تین/۶) با آیات قبل باید گفت، استثناء در این آیه، استثنای متصل از «انسان» در آیه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین/۴) است (ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۲۰: ۳۲۰/۱۴۲۰؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۳۷۹/۳۰) همچنین دربارهٔ ارتباط آیات ۸ الی ۱۱ سوره بروج نیز پرواضح است که ضمیر «هم» در آیه ﴿وَمَا تَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (بروج/۸)؛ به مؤمنانی برمی‌گردد که در آیه قبل ﴿وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ﴾ (بروج/۷)، شرح حالشان را بیان کرده است. همچنین آیات ۸ و ۹ که بیانگر اوصاف الهی است ﴿الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ اشاره به حقانیت مؤمنان و مظلومیت آنها دارد که در آیات قبل بیان شده است. آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...﴾ (بروج/۱۰)، وعید و تهدید علیه اصحاب اخذود و مشرکان قریش است و آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾ (بروج/۱۱) وعده و دلگرمی به مؤمنان است که در آیات قبل از آنها یاد شده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲۵۱/۲۰).

سه. اختلاف در مضمون و محتوای آیات

از دیگر نشانه‌های نبود تناسب بین آیات، تفاوت و اختلاف در مضامین آیات است. از نظر این خاورشناس، هرگاه در جریان و سیر نزول آیات تفاوت معنایی و مضمونی ایجاد شود، همین مسئله سبب بروز اختلاف بین آیات و نبود انسجام خواهد شد. نولدکه در اثبات این ادعا شواهد متعددی آورده که از نظر خواهد گذشت.

۱. در سوره قیامة آیات ۱۶ الی ۱۹ ارتباطی با آیات مجاورشان ندارند. این عدم تناسب به جهت اختلاف در مضمون است؛ زیرا آیات قبل و بعد در خصوص شرح واقعه قیامت است و این آیات در خصوص نزول قرآن بر قلب پیامبر ﷺ است (نولدکه، تاریخ قرآن، ۲۰۰۴: ۹۳).
۲. آیات سوره نازعات به جهت عدم تناسب مضمونی به سه بخش تقسیم می‌شوند و ارتباط آیات به هم ریخته است. آیات ۱ الی ۱۴ با مضمون معاد و آیات ۱۵ تا ۲۶ با اشاره به جریان موسی علیه السلام و آیات ۲۷ تا ۴۶ که بازگشت به مضمون آیات نخستین است (همان).



۳. آیات ۲۴ به بعد در سوره ذاریات در زمانی متأخر به سوره اضافه شده است. از آیه ۲۴ به بعد جریان مهمانان حضرت ابراهیم (علیه السلام) به یکباره مطرح می‌شود و لذا ارتباط مضمونی بین این آیات و آیات قبل وجود ندارد؛ زیرا آیات قبل در خصوص معاد است (همان: ۹۴).
۴. آیات ۱۴۹ تا ۱۶۶ در سوره صافات در مورد شرک مکیان هست. ارتباط این بخش از آیات و آیات بعدی که به آن احاطه دارد ضعیف است. و ارتباط فقط در حد دو آیه و جمله هست (همان: ۱۰۹).
۵. آیه ۲۹ سوره ص: ﴿كَتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ با آیات دیگر همخوانی ندارد و اتصال آن به آیات قبل و بعد که در خصوص حضرت داود و سلیمان نبی است از منظر مضمون بسیار مشکل هست (همان: ۱۱۷).
۶. آیه ۸۸ سوره زخرف: ﴿وَ قِيلَ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ به علت اینکه در مطلع آن حذفی رخ داده است ارتباطش با آیات قبل: ﴿وَ تَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ... وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَآتَى يُؤفِّكُونَ﴾ (زحرف/ ۸۷-۸۵) نامشخص بوده و وحدت مضمونی درک نمی‌شود (همان: ۱۱۸).
۷. در سوره فرقان آیات ۶۳ الی ۷۷ که در بیان صفات مؤمنان: ﴿وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا ...﴾ است از حیث مضمون با آیات پیشین: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ جَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَ قَمَرًا مُنِيرًا * وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ خَلْفَةً ...﴾ (فرقان/ ۶۲-۶۱) ارتباطی ندارد (همان: ۱۲۰).
۸. ارتباط مضمونی میان آیات ۲۳ و ۲۴ با آیات پیشین و پسین سوره کهف که در خصوص جریان اصحاب کهف است، بسیار ضعیف است (همان: ۱۲۵).
۹. آیات ۳۵ تا ۴۵ سوره نور، قطعه متفاوت نسبت به آیات قبل و بعد از آن است. آیات قبل در خصوص تحریم زنا و آداب زناشویی است (همان: ۱۹۰).
۱۰. مضمون آیه ۷۴ سوره مریم نسبت به آیات دیگر تناسب ندارد (همان: ۱۱۶).
۱۱. همچنین سوره غافر به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول شامل آیات ۱ تا ۵۶ است و بخش دوم از آیات ۵۷ تا آخر سوره هست. این دو بخش علاوه بر اختلاف در فواصل آیات از لحاظ مضمون هم شبیه نیستند و هر کدام منشأ متفاوتی دارند (همان: ۱۳۷).
۱۲. آیات ۷۶ تا ۸۲: ﴿إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ ...﴾ در سوره قصص مقطعی متفاوت است و ارتباط با آیات پیشین و پسین آن مشکل است (همان: ۱۳۸).
۱۳. همچنین تولدکده در خصوص سوره انعام نیز همین ادعا را دارد و قطع مضمون را بعد از آیات: ۴۵ - ۷۳ - ۹۰ - ۱۱۷ - ۱۳۴ - ۱۴۰ - ۱۵۴ با آیات قبل و بعدشان ثابت می‌داند (همان: ۱۴۵).

نقد و بررسی

مهم‌ترین شاخصه نبود تناسب از دیدگاه نولدکه، اختلاف در مضامین آیات است. در پاسخ به این دیدگاه و مواردی که به‌عنوان شاهد مثال ذکر شده‌اند بلید گفت اولاً روش قرآن کریم در بیان مفاهیم روش مزجی و ترکیبی است و این برخلاف سایر کتب آسمانی و غیر آسمانی است و همین مسئله ضامن حفظ و بقای قرآن کریم از تحریف و تصرف‌های بشری شده است. از سویی دیگر نادیده گرفتن حذف و ایصال‌ها در آیات قرآن به دلیل تسلط نداشتن به ادبیات عرب و در نظر نداشتن مسئله نزول تدریجی آیات و تغییر در مقتضیات زمانی و همچنین اتکاء به ترجمه لفظ به لفظ سبب شده است تا این چنین ادعاهایی از سوی برخی از خاورشناسان، از جمله نولدکه مطرح شود (فقهی‌زاده، پژوهشی در نظم قرآن، ۱۳۷۴: ۱۴۷). تناسب صدر و ذیل آیات، یکی از راه‌های اثبات حکیم بودن و حقانیت قرآن است و بی‌توجهی به این مسئله سبب شده است تا برخی از خاورشناسان مانند نولدکه قائل به پراکنده‌گویی و عدم تناسب میان آیات قرآن شوند (عبداللهی‌عابد و دیگران، تناسب درونی در آیات سوره مائده با تأکید بر ضمانت اجرایی، مطالعات سبک شناختی قرآن کریم، ۱۴۰۰: ۱۶۴-۱۳۹). در ادامه به نقد و بررسی برخی از موارد مورد ادعا پرداخته خواهد شد.

به‌عنوان مثال درباره ارتباط نداشتن آیات ۱۶ الی ۱۹ سوره قیامه ﴿لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾ (قیامه/۱۹-۱۶) باید گفت از دیدگاه مفسران این آیات جملائی معترضه‌اند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۰۹/۲۰؛ دروزه، تفسیر الحدیث، ۱۳۸۳: ۱۰/۱)؛ و همان‌طور که در مباحث پیشین هم از نظر گذشت، این مسئله به روش و سبک قرآن در بیان مفاهیم برمی‌گردد که روش ترکیبی و مزجی است و قرآن مانند سایر کتب، سبکی یکنواخت ندارد. از سویی دیگر همه آیات سوره مبارکه قیامه همان‌طور که از نامش پیداست، دائرمدار یک غرض هستند و آن مسئله قیامت کبری و بیان وضعیت انسان‌های مؤمن و کافر است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۰۳/۲۰).

همچنین درخصوص آیات ۱۵ الی ۲۶ سوره نازعات: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَحْشُرُ﴾ (نازعات/۲۶-۱۵)؛ که بیان داستان حضرت موسی (علیه السلام) است نیز باید گفت وجه ارتباط با آیات پیشین و پسین برخلاف ادعای این نویسنده پنهان نیست؛ زیرا این سوره مروری سریع به جریان حضرت موسی (علیه السلام) و فرعون است و درنهایت به عقوبت دنیوی و اخروی فرعون اشاره دارد که با هدف اصلی سوره مرتبط است که همان بحث از قیامت است (سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۳۸۱۴/۶).



همچنین درخصوص نبود تناسب در آیه ۲۴ سوره ذاریات به بعد نیز باید گفت این بخش کاملاً به بخش اول سوره پیوند خورده است؛ زیرا داستان حضرت ابراهیم و سایر رسولان علیهم‌السلام همگی در چارچوب ارائه آیات خداوند برای یقین آورندگان آمده است (حوی، الاساس فی التفسیر، ۱۴۰۵: ۱۰/۵۵۱۴).
در جمع‌بندی و پاسخ به شواهدی که نویسنده در این زمینه مطرح کرده باید گفت در برخی آیات با تدبیر و دقت بیشتر ارتباط مضمونی بین آنها قابل اثبات است و برخی آیات هم در صورت پذیرش عدم ارتباط مضامین، به معنای عدم تناسب نیست؛ زیرا همان‌طور که بیان شد روش و سبک بیانی قرآن در کنار هم قرار دادن مفاهیم متفاوت است و از سویی دیگر بخش‌های یک سوره تحت جامعیت واحدی شکل گرفته‌اند و ساختاری هندسی میان آیات سوره‌ها برقرار است و هر سوره دارای هدف یا غرض واحدی است (خامه‌گر، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، ۱۳۸۶: ۱۹).

چهار. اختلاف در فواصل آیات

از نظر نولدکه، بحث فواصل آیات، یکی از ویژگی‌های سوره‌های دوره اول مکی است (نولدکه، تاریخ قرآن، ۲۰۰۴: ۶۸). به‌عنوان مثال فواصل آیات ۶۳ الی ۷۷ سوره فرقان از نظر نولدکه با آیات پیشین متفاوت است که سبب به‌هم‌ریختگی تناسب بین آیات شده است (همان: ۱۲۰). نمونه دیگر سوره غافر است که به جهت اختلاف در فواصل آیات به دو بخش تقسیم شده است: بخش اول آیات ۱ تا ۵۶ است و بخش دوم از آیات ۵۷ تا آخر سوره هست که آیات به «ون» و «ین» ختم می‌شوند (همان: ۱۳۷). همچنین آیات ۸ الی ۱۱ سوره بروج، از لحاظ فاصله با آیات قبل و بعد اختلاف دارد (همان: ۷۸). این مسئله در آیات ۳۵ تا ۴۰ سوره مریم نیز رخ داده است (همان: ۱۱۶). شاهد مثال دیگر آیه ۱۸ سوره حج است که از نظر فاصله با آیات دیگر متفاوت است (همان: ۱۱۹)؛ بنابراین عنصر فواصل آیات از نظر نولدکه یکی از نشانه‌های تناسب بین آیات هر سوره است که مخاطب آیات با نگاه به تغییراتی که در فواصل آیات رخ می‌دهد به هم ریختگی و عدم انسجام آیات را درک می‌کند.

نقد و بررسی

درخصوص نقش فواصل آیات در تناسب و انسجام آیات تردیدی وجود ندارد (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۱/۱۵۶). از نظر نولدکه سجع‌های به‌کاررفته در قرآن، به‌ویژه در سوره‌های دوران اولنل مکی معیاری برای تاریخ‌گذاری سوره‌هاست، درحالی‌که اگر دلیل وی برای این مدعا روایات ترتیب نزول باشد که نیست، این روایات، رشد سجع سوره‌ها را به شکل موضعی نشان می‌دهد، نه به شکل فراگیر. دوم اینکه کاربرد سجع تنها اختصاص به سوره‌های مکی یا اوایل دوران مکه ندارد؛ بلکه

در سراسر قرآن و برحسب اقتضای خاص خود به کار رفته است (اسکندرلو، شکل و ساختار قرآن، ۱۳۸۶: ۱۱-۳۲). آنچه او در این زمینه مطرح کرده است حاکی از این است که نسبت به مقوله فواصل شناخت دقیقی نداشته است و بین مفهوم فاصله و سجع خلط کرده است. مفهوم سجع و فاصله علاوه بر شباهت، تفاوت‌هایی هم با هم دارند. سجع در لغت آواز یکنواخت کبوتر یا ناله ممتد شتر است و دلالت می‌کند بر صوت متوازن و در کلام مانند قافیه در شعر است (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰: ۱/۲۱۴؛ ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۳: ۱۴۰۴/۱۳۵) و به معنای هماهنگی و توازن دو کلمه در حرف آخر در نثر است (عسکری، الصناعتین الکتابة والشعر، ۱۴۰۶: ۱/۲۶۲؛ قزوینی، الايضاح فی علوم البلاغه، ۱۹۹۸: ۱/۳۶۲). فواصل اعم از سجع است، به همین خاطر گفته‌اند فواصل دو قسم است: قسم اول همان سجع است که حروف مقاطعش عین یکدیگر است و قسم دوم حروف مقاطعش یکی نیست. فواصل تابع معناست؛ ولی سجع به دو شکل است یا تابع معناست یا تابع معنا نیست. نوع اول ممدوح بوده و نوع دوم قبیح است که در قرآن وجود ندارد (خفاجی، سر الفصاحه، ۱۴۰۲: ۱۷۲). در همه فواصل قرآنی چه به شکل مسجع و غیر مسجع تابعیت از معنا وجود دارد؛ بنابراین آنچه نولدکه در خصوص اختلاف فواصل به‌عنوان عامل به‌هم‌ریختگی انسجام و وحدت آیات مطرح کرده است، قابل پذیرش نیست.

در همین رابطه نولدکه معتقد است اختلاف فواصل آیات ۶۳ الی ۷۷ سوره فرقان سبب به‌هم‌ریختگی انسجام سوره شده است. در جایی دیگر او این بخش از آیات را از منظر معنا منفصل از آیات پیشین می‌داند. در نقد این ادعا می‌توان گفت آیات زیادی از سوره فرقان دارای فواصل مسجع است و برخی غیر مسجع، اما همان‌طور که بیان شد تغییر در فواصل آیات دلیل بر عدم انسجام و به‌هم‌ریختگی سوره نیست. فرازهای سوره مبارکه فرقان به هم مرتبط بوده و وحدت معنا در سوره سریان و جریان دارد. آیات ۶۳ الی ۷۷ سوره در مقام بیان صفات بر جسته مؤمنان «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ...» است که پروردگار خود را می‌خوانند، پیامبر و کتاب آسمانی‌اش را تصدیق می‌کنند. این آیات در مقابل آیات ۴۱ تا ۶۲ سوره هست که در مقام بیان صفات کفار است که رسالت پیامبر خدای را تکذیب می‌کنند، و از دعوت او اعراض می‌کنند و به دنبال هوای نفس هستند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۵/۲۳۹).

از سویی دیگر آیه آخر سوره ﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامَا﴾ (فرقان: ۷۷) بازگشتی به غرض اصلی سوره است، چون سخن در این سوره پیرامون اعتراض مشرکان بر رسول خدا ﷺ و قرآن است؛ بنابراین ارتباط این دو دسته از آیات با غرض اصلی و با یکدیگر کاملاً روشن است (همان: ۱۵/۲۴۶).



نولدکه معتقد است فواصل آیات ۵۷ تا آخر سوره غافر که برخلاف آیات قبل به دو حرف «ون» و «ین» ختم شده انسجام سوره را به هم زده است. این دیدگاه از دو جهت قابل خدشه است: اول اینکه همه آیات سوره غافر به هم پیوسته‌اند و مضامین آن نیز به این امر شهادت می‌دهند و جو حاکم بر کل سوره جدال بین حق و باطل، ایمان و کفر است، به ویژه آیات ۵۶ تا ۷۷: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَجَادُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ...﴾ که تکمله آیات قبل است و پیامبر ﷺ را به صبر در برابر تکذیب و اذیت کفار سفارش می‌کنند (سیدقطب، فی ضلال القرآن، ۱۴۱۲: ۳۰۸۸/۵؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۳۰۲/۱۷). جهت دوم اینکه برخلاف ادعای نولدکه، آیات سوره غافر دارای فواصل منظم است. آیات ۵۷ تا آخر این سوره دارای سجع مطرف می‌باشد؛ زیرا کلمات آخر این آیات در حرف روی یکی بوده و در وزن عروضی مختلف هستند و همین امر نشانه انسجام آنهاست (اسمی قیه‌باشی و بابایان، مطالعه انسجام آوایی در سوره حوامیم، با سنجش همگونی انواع سجع، ۱۴۰۲: ۲)، و از سوی دیگر فواصل آیات چه به صورت مسجع باشد و چه به صورت غیر مسجع تابع معناست و اختلاف ظاهری سبب عدم انسجام آیات نیست.

در خصوص آیات ۸ الی ۱۱ در سوره بروج نیز مانند موارد پیشین قابل پذیرش نیست و انسجام سوره بروج مورد تأکید است. برخلاف نظر نولدکه سوره بروج با داشتن ۲۲ آیه به دو مقطع تقسیم می‌شود؛ مقطع اول تا آیه ۱۱ و مقطع دوم از آیات ۱۲ تا ۲۲ هست که با سیاق واحد به هم مرتبط‌اند (حوی، الاساس فی التفسیر، ۱۴۰۵: ۱۱/۶۴۵۴). از سویی دیگر آیه ﴿وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ﴾ (بروج/۷) و آیه ﴿وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (بروج/۸)، از لحاظ فواصل متفاوت‌اند؛ اما ارتباط بین این آیات از جهت نحوی و معنایی قابل اثبات است. آیه ۸ جمله‌ای در محل حال است و او ابتدای آیه و او حالیه یا عاطفه است (درویش، اعراب القرآن و بیانه، ۱۴۱۵: ۱۰/۴۳۱). از جهت معنا نیز آیه ۸ در خصوص مؤمنانی هست که در آیات پیشین در مورد آنها صحبت شده است. همچنین در مورد آیات ۳۴ تا ۴۰ سوره مریم همین ادعا تکرار شده است. فواصل در آیه ﴿ذَلِكِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ﴾ (مریم/۳۴)، نسبت به آیات پیشین متفاوت می‌شود. ﴿وَالسَّلَامُ عَلَىٰ يَوْمٍ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا﴾ (مریم/۳۳) در پاسخ باید گفت فواصل آیات به دلیل تغییر در معانی آیات تغییر پیدا می‌کنند و همه این تغییرات حکیمانه است. سوره مریم یکی از سوره‌هایی است که نظام فاصله و قافیه در آن به حسب قصه‌ها تغییر می‌کند. ابتدا قصه زکریا و یحیی (علیهم‌السلام) و در ادامه قصه مریم و عیسی (علیهم‌السلام) آمده است. فواصل آیات ۳۴ تا ۴۰ که به حروف میم و نون ختم می‌شوند که قبل از آنها هم مد کشیده وجود دارد در مقام صدور حکم بعد از بیان قصه هست. صدور

چنین حکمی اقتضا می‌کند که فواصل آیات و نظم آهنگ آنها تغییر کند و لحنی قوی و محکم پیدا کند (سیدقطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۴/۲۳۰۰)؛ بنابراین با دقت و تدبر معلوم می‌شود که اختلاف در فواصل آیات سوره مریم به معنای به هم ریختگی سوره و عدم انسجام سوره نیست. اختلاف در فواصل آیات مبنای درستی برای استدلال به عدم انسجام آیات محسوب نمی‌گردد؛ بلکه یکی از محسنات ادبی قرآن است و براساس معنا و حال مخاطبان بوده است.

پنج. اختلاف در سیاق

نولدکه در این زمینه نیز شواهدی ارائه کرده است؛ مانند سوره اسراء که ارتباط آیه ۱ با آیات بعدی به وضوح نامشخص است. چنانکه انتهای همه آیات برخلاف آیه نخست به «الف» ختم شده است، لذا امکان دارد بعد از آیه اول آیاتی چند افتاده باشد که این ارتباط را از بین برده است. شاید به صورت تعمدی در اینجا قرار گرفته و از سیاقی دیگر برگرفته باشد؛ چنانکه با آیه ۶۰ نیز ارتباط دارد. ﴿وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَ نَحْوَهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا﴾ [اسراء/۶۰] و در مجموع اثبات انسجام میان آیات سوره اسراء بسیار مشکل است؛ مثلاً ارتباط آیات ۲۲ و ۲۳ آیات ۳۹ و ۴۱ و... (نولدکه، تاریخ قرآن، ۲۰۰۴: ۱۲۵-۱۲۲). در سوره سجده کلمات آیه ۲۳ بعداً به متن سوره اضافه شده است؛ زیرا آنها مطلقاً هیچ ارتباطی با سیاق آیات پیشین ندارند (همان: ۱۲۹). همچنین در سوره حج آیه ۱۸ سیاق با آیات دیگر متفاوت است (همان: ۱۹۲). در سوره لقمان آیه ۲۰: ﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً...﴾ به جهت بی ارتباطی با قبل و بعد به آیه ۱۰: ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ...﴾ ملحق می‌شود (همان: ۱۴۱).

نقد و بررسی

در وهله نخست در نقد این ادعا باید گفت مبنای تحقق سیاق جمله‌ها این است که با هم ارتباط موضوعی و مفهومی داشته و همه آنها پیرامون یک موضوع و برای افاده یک مطلب صادر شده باشند. به بیانی دیگر، ملاک قرینه بودن سیاق، صدور جمله‌های مرتبط و پیوسته از گوینده دانا در مجلس واحد است و این ملاک تنها در جمله‌هایی محقق است که درباره موضوعی واحد باشند (رجبی، روش تفسیر قرآن، ۱۳۸۳: ۱۰۹). یکی از ظرافت‌های ادبی و هنری در بیانات قرآن، تغییر ناگهانی سیاق است که با هدف بیان ویژگی محتوایی الفاظ انجام گرفته است (ر.ک: زمانی و قانع‌اردکانی، نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن، ۱۳۹۱: ۷۶-۵۷)، برخلاف ادعای نولدکه، ارتباط آیه نخست سوره



اسراء با آیات بعدی از لحاظ مضمونی برقرار است و آیات در یک سیاق‌اند. در این آیات می‌خوانیم: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى... وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ...﴾ (اسراء/۲-۱) مطلب نخست اینکه آیه دوم با او عطف آغاز شده این نشان‌دهنده ارتباط آیات باهم است. برخی از مفسران در مورد وجه ارتباط این آیات گفته‌اند آیه دوم که بعد از بیان معراج پیامبر و عرضه آیات به ایشان آمده و در خصوص موسی (علیه السلام) و تورات است نوعی استطراد است (دروزه، تفسیر الحدیث، ۱۳۸۳: ۳/۳۵۹). استطراد از محسنات معنوی کلام است و یکی از انواع مناسبت میان جمله‌هاست و عبارت از این است که متکلم بنا به مناسبتی از مطلبی به مطلب دیگر منتقل شود و سپس به سخن اول برگشته و آن را ادامه دهد (عسکری، الصناعتین للكتابة و الشعر، ۱۴۰۶: ۱/۳۹۸؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱: ۲/۲۱۹). برخی دیگر از مفسران در خصوص وجه ارتباط این آیات گفته‌اند خداوند با معراج پیامبر (ص) همه آیات را به او نشان داد، همان‌طور که آیات و معجزات آشکار را به موسی (علیه السلام) نشان داد و اینکه برای او کتاب آسمانی و دلائل محکم فرستاد، همان‌طور که تورات را بر موسی نازل کرد. پس میان این دو پیامبر از این منظر فرقی نیست (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۶/۶۱۲).

ارتباط آیه ﴿وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ...﴾ (سجده/۲۳) با آیات پیشین نیز برقرار است، چه اینکه خطاب در آیات قبل به پیامبر (ص) به منظور تسلی دادن ایشان و تهدید دشمنان آن حضرت است و اینکه این پیامبر همان‌گونه که قرآن را انکار می‌کنند، پیش از این تورات موسی نیز انکار کرده‌اند (همان: ۵۲/۸).

ارتباط آیه ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ...﴾ (حج/۱۸)، با آیات قبل نیز برقرار است. وجه مشترک بین این آیات استدلال به عظمت و قدرت الهی و خضوع موجودات عالم برای او و تأکید بر دعوت نبوی بر توحید است (دروزه، تفسیر الحدیث، ۱۳۸۳: ۶/۲۹). در سایر موارد نیز وضع به همین منوال است و ارتباط بین آیات برخلاف دیدگاه نولدکه برقرار است؛ بنابراین شواهدی که نولدکه در خصوص عدم تناسب آیات با محوریت بحث سیاق مطرح کرده است مورد پذیرش نیست.

نتیجه

این پژوهش با محوریت بحث انسجام و تناسب آیات به‌عنوان یکی از مباحث بسیار مهم در علوم قرآن و تفسیر، به خوانش و نقد و بررسی دیدگاه‌های یکی از خاورشناسان معروف، به نام تئودور نولدکه

در کتاب تاریخ قرآن پرداخته است. در همین راستا با مطالعه و استخراج همه شواهد و أدله مثبته در کتاب تاریخ قرآن به دسته‌بندی و ارزیابی این ادله پرداخته شد که در موارد ذیل خلاصه می‌شود.

۱. قرآن کریم برخلاف دیدگاه خاورشناسان، به‌ویژه نولدکه، نظم موضوعی و تاریخی سایر کتب آسمانی تحریف شده و غیر آسمانی را ندارد؛ بلکه روش، اسلوب و سبک قرآن در بیان مفاهیم به‌صورت مزجی است که این روش ضامن بقای قرآن کریم بوده و موجب تسهیل ارتباط همه طبقات انسانی با این کتاب می‌شود. قرآن کریم مزایای سه نوع کلام شعر، نثر و سجع را برخوردار است.

۲. یکی از مهم‌ترین دلایلی که سبب شده است برخی از خاورشناسان نسبت به متن قرآن دچار برداشته‌های نادرست شوند انس ذهنی آنها به الگوی متن کتاب مقدس است. به‌زعم آنها قرآن نیز به‌عنوان یک کتاب مقدس باید از الگویی شبیه به الگو و سبک بیانی تورات و انجیل پیروی کند. در صورتی که این‌گونه نیست و قرآن کریم در سبک و اسلوب بیانی و ترکیب مضامین با سایر کتاب‌های آسمانی تفاوت دارد.

۳. توقیفی بودن ترتیب آیات در سوره‌ها که به‌معنای نفی دخالت غیر الهی در چینش آیات است دیدگاه مشهور بین اندیشمندان مسلمان است. شواهد و ادله روایی فراوانی بر این مسئله صحه می‌گذارند.

۴. نزول تدریجی قرآن برخلاف دیدگاه نولدکه سبب عدم تناسب بین آیات نیست؛ بلکه از روی حکمت است؛ زیرا زمینه آسانی تعقل و حفظ برای مردم بوده. نزول یکپارچه و یکباره قرآن برخلاف طبع بشر و سبب دوری و زدگی مردم می‌شده است.

۵. در مورد اختلاف فواصل آیات به‌عنوان یکی از شاخص‌های عدم تناسب می‌توان گفت برخلاف دیدگاه نولدکه مفهوم فاصله و سجع یکی نیست. فواصل اعم از سجع است. و در مجموع فواصل قرآنی به دو شکل مسجع و غیر مسجع قابل تصور است و تابعیت از معنا برای هر دو شکل وجود دارد.

۶. در مورد شاخص اسلوب نیز بیلید گفت استفاده قرآن از اسلوب‌های متفاوت بیانی از ویژگی‌های منحصر به فرد این کتاب است و تعدد اسلوب در آیات یک سوره دلیل بر عدم تناسب آیات آن سوره نیست.

۷. اختلاف در سیاق آیات نیز از ویژگی‌های سبک بیانی قرآن است و نشانه عدم تناسب آیات نیست. شواهدی نیز که نولدکه در این زمینه ارائه داده مورد پذیرش نیست.

۸. کوتاهی و بلندی آیات نیز شاخص درستی جهت اثبات ادعا نیست. کوتاهی و بلندی آیات توقیفی بوده و براساس حال مخاطبان است. همچنین آیات بلند اختصاص به سوره‌های مدنی ندارد و در سوره‌های مکی نیز آیات بلند وجود دارد.



۹. در مجموع همه آنچه نولدکه در زمینه شاخصه‌های ظاهری مرتبط با عدم تناسب آیات بیان کرده به نحوی به تناسب معنایی مرتبط است که در نقد آن می‌توان گفت پیوستگی معانی و ارتباط تام بین آنها در سوره‌ها مورد تأکید اندیشمندان و مفسران است و از سوی دیگر آمیختگی موضوعات در یک سوره از ویژگی‌های سبک بیانی قرآن کریم است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، قم: المصطفی، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن عاشور، محمدبن طاهر، التحرير و التتوير، بيروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴ق.
۵. احمد بن حنبل، مسند امام أحمد بن حنبل، قاهره: مؤسسة قرطبة، بی تا.
۶. اسکندرو، محمدجواد، مستشرقان و تاریخ گذاری قرآن، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ش.
۷. اسکندرو، محمدجواد، شکل و ساختار قرآن، قرآن پژوهی خاورشناسان، دوره دوم، شماره ۳، ۱۳۸۶.
۸. اسمی قیه باشی، صمد؛ بابایان، طیه، «مطالعه انسجام آوایی در سور حوامیم، با سنجش همگونی انواع سجع» مطالعات سبک شناختی قرآن کریم، سال هفتم، شماره ۲، ۱۴۰۲ش.
۹. بابایی، علی اکبر؛ عزیزی کیا، غلامعلی؛ روحانی راد، مجتبی، روش شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ش.
۱۰. باقلانی، ابوبکر، إعجاز القرآن، بيروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
۱۱. بدوی، عبدالرحمان، دفاع از قرآن در برابر آرای خاورشناسان، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳ش.
۱۲. بقاعی، برهان المدین عمر، نظم المدرر فی تناسب الآیات و السور، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۸۹ق.
۱۳. ثعالبی، عبدالرحمن، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بيروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۴. حسینی، محمدرضا، کیف نفهم القرآن، بيروت: دارالفردوس، ۱۴۰۸ق.
۱۵. حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، بيروت: دارالسلام للطباعة و النشر و التوزيع و الترجمة، ۱۴۰۵ق.
۱۶. خامه گر، محمد، ساختار هندسی سوره های قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶ش.



۱۷. خفاجی، محمد سنان، سر الفصاحة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۲ق.
۱۸. خوئی، سیدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسة احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا.
۱۹. دروزه، محمد عزت، تفسیر الحدیث، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۳ق.
۲۰. درویش، محیی الدین، اعراب القرآن و بیانہ، سوریه: دارالارشاد، ۱۴۱۵ق.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: دار العلم، ۱۴۱۲ق.
۲۲. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ش.
۲۳. رضوان، عمر بن ابراهیم، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ریاض: دار الطیبة، ۱۴۱۳ق.
۲۴. زُرْقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۵. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰ق.
۲۶. زمانی، محمد حسن؛ قانع اردکانی، علی، «نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن»
قرآن پژوهی خاورشناسان، سال هفتم، شماره ۱، ۱۳۹۱ش.
۲۷. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۸. سعیدی روشن، محمدباقر، تحلیل زبان قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۲۹. سیدقطب، التصوير الفنی فی القرآن، بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۵ق.
۳۰. سیدقطب، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۳۱. سیوطی، جلال الدین، تناسب الدرر فی تناسب الآیات و السور، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.
۳۲. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۳. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۳۴. صدر، سید محمدباقر، دروس فی علم الاصول، بیروت: مکتبه المدرسه، ۱۴۰۶ق.
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.

۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳۷. عبد اللهی عابد، صمد و دیگران، «تناسب درونی در آیات سوره مائده با تأکید بر ضمانت اجرایی» مطالعات سبک شناختی قرآن کریم، سال پنجم، شماره اول، ۱۴۰۰ ش.
۳۸. عسکری، أبو هلال، کتاب الصناعتین الكتابة والشعر، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۰۶ ق.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۴۰. فرضی، محمدباقر، «نقد شبهات مستشرقان در مورد اشکالات صرفی و نحوی قرآن» قرآن پژوهی خاورشناسان، دوره ۱۸، شماره ۳۴، ۱۴۰۲ ش.
۴۱. فقهی زاده، عبد الهادی، پژوهشی در نظم قرآن، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴ ش.
۴۲. قاضی عیاض، الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، عمان: دار الفیحاء، ۱۴۰۷ ق.
۴۳. قزوینی، جلال الدین، الايضاح فی علوم البلاغة، بیروت: دار إحياء العلوم، ۱۹۹۸ م.
۴۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایره المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش.
۴۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۳۰ ق.
۴۶. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۴۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: مؤسسه امیر کبیر، ۱۳۶۰ ش.
۴۸. مکنون، محمود؛ شاکر، محمد کاظم، «بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن با تأکید بر دیدگاه میشل کوپرس» پژوهش های قرآنی، سال بیستم، شماره ۳، ۱۳۹۴.
۴۹. مولایی نیا، عزت الله، تناسب آیات، قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳.
۵۰. نورایی، محسن؛ سلمان زاده، جواد، «اسلوب در نظریه ترتیب نزول نولدکه چیستی و کارکردها» سراج منیر، شماره ۳۱، ۱۳۹۷.
۵۱. نولدکه، تئودور، تاریخ قرآن، الترجمة والتصحيح: جورج تامر، بیروت، دار نشر جورج المز، ۲۰۰۴ م.
۵۲. نیل ساز، نصرت و همکاران، «رویکردهای خاورشناسان به مسئله انسجام قرآن کریم؛ سیر تحول تاریخی، ویژگی ها و زمینه ها» تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، ش: ۱، سال ۱۳۹۸، ۱۶ ش.

Resources

1. *Quran Karim (The Noble Quran)*, Tarjome: Mohammad Ali Rezaei Esfahani va Jami'i az Asatid Jami'at al-Mustafa (Translation: Mohammad Ali Rezaei Esfahani and a Group of Professors from Al-Mustafa Univeristy), Qom: al-Mustafa, 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. Abdollahi Abed, Samad at el., "*Tanasob-e Daruni dar Ayat-e Surah Ma'idah ba Ta'kid bar Zemanat-e Ejra'i*" (*Internal Suitability in the Verses of Surah Ma'idah with Emphasis on Executive Guarantee*), Quranic Stylistics Studies, Year 5, No. 1, 1400 SH (2021 CE).
3. Ahmad ibn Hanbal, *Musnad Imam Ahmad ibn Hanbal (The Musnad of Imam Ahmad ibn Hanbal)*, Cairo: Maktabat Qurtubah, n.d.
4. Askari, Abu Hilal, *Kitab al-Sina'atayn al-Kitabah wa al-Shi'r (The Book of the Two Arts: Writing and Poetry)*, Beirut: Maktabat al-Asriyyah, 1406 AH (1985 CE).
5. Babaei, Ali Akbar; Azizi-Kia, Gholamali; Rouhani-Rad, Mojtaba, *Ravesh-Shenasi-ye Tafsir-e Quran (Methodology of Quranic Exegesis)*, Qom: Research Institute for Seminary and University, 1385 SH (2006 CE).
6. Badawi, Abdulrahman, *Defa' az Quran dar Barabar-e Ara-ye Khawarshenasan (Defense of the Quran Against the Opinions of Orientalists)*, Mashhad: Astan Quds Razavi, 1383 SH (2004 CE).
7. Baqilani, Abu Bakr, *I'jaz al-Quran (The Miraculousness of the Quran)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1421 AH (2000 CE).
8. Buqai, Burhan al-Din Umar, *Nazm al-Durar fi Tanasub al-Ayat wa al-Suwar (The Arrangement of Pearls in the Suitability of Verses and Chapters)*, Hyderabad: Majlis Da'irat al-Ma'arif al-Uthmaniyyah, 1389 AH (1969 CE).
9. Darowsh, Mohyi al-Din, *I'rab al-Quran wa Bayanuh (The Syntax and Explanation of the Quran)*, Syria: Dar al-Irshad, 1415 AH (1994 CE).
10. Darwazah, Mohammad Ezzat, *Tafsir al-Hadith (The Modern Exegesis)*, Cairo: Dar Ihya al-Kutub al-Arabiyyah, 1383 AH (1964 CE).
11. Eskandarloo, Mohammad Javad, "*Shekl va Sakhtar-e Quran*" (*The Form and Structure of the Quran*), Quran-Pazhuh-e Khawarshenasan, Second Period, No. 3, 1386 SH (2007 CE).
12. Eskandarloo, Mohammad Javad, *Mostashreqan va Tarikh-Gozari-ye Quran (Orientalists and the Chronology of the Quran)*, Qom: Research on Quranic Exegesis and Sciences, 1385 SH (2006 CE).
13. Esmi-Qihebashi, Samad; Babaeiyan, Tayebbeh, "*Motale'eh Ensijam-e Ava'i dar Sur-e Havamim, ba Sanjesh-e Hamguni Anva' Saj*" (*Study of Phonetic Cohesion in the Surahs of Hamim, with the Evaluation of the Homogeneity*

- of Rhyme Types), Quranic Stylistics Studies, Year 7, No. 2, 1402 SH (2023 CE).
14. Farahidi, Khalil ibn Ahmad, *Al- 'Ayn*, Qom: Hijrat, 1410 AH (1989 CE).
 15. Farazi, Mohammad Baqer, "*Naqd-e Shebahat-e Mostashreqan dar Mored-e Eshkalat-e Sarfi wa Nahvi-ye Quran*" (*Critique of Orientalists' Doubts on Morphological and Syntactic Issues of the Quran*), Quran-Pazhuhhi Khavare Shenasi (Journal of Orientalists' Quranic Studies), Vol. 18, No. 34, 1402 SH (2023 CE).
 16. Feqhizadeh, Abdolhadi, *Pajuheshi dar Nazm-e Quran* (*A Study about the Quran*), Tehran: Islamic Jihad University, 1374 SH (1995 CE).
 17. Hosseini, Mohammad Reza, *Kayf Nafham al-Quran* (*How to Understand the Quran*), Beirut: Dar al-Firdaws, 1408 AH (1987 CE).
 18. Huwa, Said, *Al-Asas fi al-Tafsir* (*The Foundation in Exegesis*), Beirut: Dar al-Salam for Printing, Publishing, Distribution and Translation, 1405 AH (1984 CE).
 19. Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir, *Al-Tahrir wa al-Tanwir* (*The Liberation and Enlightenment*), Beirut: Mu'assasat al-Tarikh al-Arabi, 1420 AH (1999 CE).
 20. Ibn Faris, Ahmad, *Mu'jam Maqayis al-Lughah* (*Dictionary of Language Standards*), Qom: Office for Islamic Propagation of the Seminary of Qom: 1404 AH (1983 CE).
 21. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram, *Lisan al-Arab* (*The Tongue of the Arabs*), Beirut: Dar al-Fikr li al-Tiba'ah wa al-Nashr wa al-Tawzi', 1414 AH (1993 CE).
 22. Khafaji, Mohammad Sinan, *Sirr al-Fasahah* (*The Secret of Eloquence*), Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1402 AH (1982 CE).
 23. Khamegar, Mohammad, *Sakhtar-e Hendesi-ye Surah-ha-ye Quran* (*The Geometric Structure of Quranic Surahs*), Tehran: Islamic Propagation Organization, 1386 SH (2007 CE).
 24. Khoei, Seyyed Abulqasim, *Al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (*The Elucidation in the Exegesis of the Quran*), Qom: Institute for the Revival of the Works of Imam al-Khoei, n.d.
 25. Ma'arif, Mohammad Hadi, *Al-Tamhid fi Ulum al-Quran* (*The Introduction to the Sciences of the Quran*), Qom: Islamic Publication Institute, 1415 AH (1994 CE).
 26. Makvand, Mahmoud; Shaker, Mohammad Kazem, "*Bazkhani-ye Ensijam-e Matn-e Quran dar Partow-e Nazariyeh Nazm-e Motagharen ba Ta'kid bar Didgah-e Michel Cuypers*" (*Revisiting the Cohesion of Quranic Text in Light*



- of Symmetrical Order Theory with Emphasis on Michel Cuyppers' Viewpoint*), Quranic Researches, Year 20, No. 3, 1394 SH (2015 CE).
27. Markaz Farhang va Ma'arif Quran, *Da'erat al-Ma'aref-e Quran Karim (Encyclopedia of the Noble Quran)*, Qom: Bustan-e Ketab, 1382 SH (2003 CE).
 28. Mo'in, Mohammad, *Farhang-e Farsi (Persian Dictionary)*, Tehran: Amir Kabir Publishing Institute, 1360 SH (1981 CE).
 29. Mola'ii Nia, Ezzatollah, *Tanasob-e Ayat (Suitability of Verses)*, Qom: Foundation of Islamic Knowledge, 1373 SH (1994 CE).
 30. Mostafavi, Hassan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (Investigation in the Words of the Noble Quran)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1430 AH (2009 CE).
 31. Nil-Saz, Nosrat and colleagues, "Ruykard-ha-ye Khawarshenasan be Mas'aleh Ensijam-e Quran Karim; Sir-e Tahavol-e Tarikhi, Vizheghihha wa Zamineha" (*Orientalists' Approaches to the Issue of the Cohesion of the Noble Quran; Historical Evolution, Characteristics, and Contexts*), Quranic and Hadith Studies, Al-Zahra University, Vol. 16, No. 1, 1398 SH (2019 CE).
 32. Noldeke, Theodor, *Tarikh al-Quran (The History of Quran)*, Translated and Edited by George Tamer, Beirut: George Maz Publishers, 2004 CE.
 33. Nuraei, Mohsen; Salmanzadeh, Javad, "Osloob dar Nazariyeh Tartib-e Nozool-e Noldekeh Cheest wa Karkardha" (*Style in Noldeke's Theory of Revelation Order: Nature and Functions*), Siraj Monir, No. 31, 1397 SH (2018 CE).
 34. Qadi Iyad, Al-Shifa bi-Ta'rif Huquq al-Mustafa (The Healing by the Recognition of the Rights of the Chosen One), Amman: Dar al-Fayha', 1407 AH (1986 CE).
 35. Qazwini, Jalal al-Din, *Al-Iyadah fi Ulum al-Balaghah (The Clarification in the Sciences of Eloquence)*, Beirut: Dar Ihya al-Ulum, 1998 CE.
 36. Raghieb Esfahani, Hossein ibn Mohammad, *Mufradat Alfaz al-Quran (The Vocabulary of the Quran)*, Lebanon: Dar al-Ilm, 1412 AH (1991 CE).
 37. Rajabi, Mahmoud, *Ravesh Tafsir-e Quran (Method of Quranic Exegesis)*, Qom: Research Institute for Seminary and University, 1383 SH (2004 CE).
 38. Ridhwan, Omar ibn Ibrahim, *Ara' al-Mustashriqin Hawl al-Quran al-Karim wa Tafsihirih (The Opinions of Orientalists on the Noble Quran and its Exegesis)*, Riyadh: Dar al-Tayyibah, 1413 AH (1992 CE).
 39. Sa'idi Roshan, Mohammad Baqer, *Tahlil-e Zaban-e Quran (Analysis of the Language of the Quran)*, Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought, 1383 SH (2004 CE).

40. Sadr, Seyyed Mohammad Baqir, *Duroos fi 'Ilm al-Usul (Lessons in the Science of Fundamentals)*, Beirut: Maktabat al-Madrasah, 1406 AH (1985 CE).
41. Seyyed Qutb, *Al-Taswir al-Fanni fi al-Quran (The Artistic Representation in the Quran)*, Beirut: Dar al-Shuruq, 1415 AH (1994 CE).
42. Seyyed Qutb, *Fi Zilal al-Quran (In the Shade of the Quran)*, Beirut: Dar al-Shuruq, 1412 AH (1991 CE).
43. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Durr al-Manthur fi Tafsir al-Ma'thur (The Scattered Pearls in the Exegesis of the Quran)*, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library, 1404 AH (1983 CE).
44. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Itqan fi Ulum al-Quran (The Perfect Guide to the Sciences of the Quran)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1421 AH (2000 CE).
45. Suyuti, Jalal al-Din, *Tanasuq al-Durar fi Tanasub al-Ayat wa al-Suwar (The Harmony of Pearls in the Suitability of Verses and Surahs)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1406 AH (1985 CE).
46. Tabarsi, Fazl ibn Hasan, *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Assembly of Explanations in the Exegesis of the Quran)*, Tehran: Nashr Khawar, 1372 SH (1993 CE).
47. Tabataba'i, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in the Exegesis of the Quran)*, Qom: Society of Seminary Teachers, 1417 AH (1996 CE).
48. Tha'alabi, Abdulrahman, *Jawahir al-Hisan fi Tafsir al-Quran (The Good Gems in the Exegesis of the Quran)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1418 AH (1997 CE).
49. Zamakhshari, Mahmoud, *Al-Kashshaf 'an Haqiq Ghawamid al-Tanzil (The Revealer of the Truths of the Obscurities of the Revelation)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1407 AH (1986 CE).
50. Zamani, Mohammad Hassan; Qanaei Ardakani, Ali, "Naqd-e Shebahat-e Mostashreqan darbare Tanasob-e Ayat-e Quran" (*Critique of Orientalists' Doubts About the Suitability of Quranic Verses*), Quran-Pazhuhhi Khavare Shenasi (Journal of Orientalists' Quranic Studies), Year 7, No. 1, 1391 SH (2012 CE).
51. Zarkashi, Mohammad ibn Abdullah, *Al-Burhan fi Ulum al-Quran (The Proof in the Sciences of the Quran)*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1410 AH (1989 CE).
52. Zurqani, Mohammad Abdulazim, *Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran (The Sources of Knowledge in the Sciences of the Quran)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.